

دائماً این مدعا تکرار می شود که بین ایرانیان و اعراب تنش وجود دارد. در بازی بین تیم های فوتبال ایرانی و عربی از حساسیت نتیجه سخن گفته می شود و در تبلیغات رسانه های غربی و شرقی، اعلام آمار و ارقام سرسام آور خرید اسلحه توسط کشورهای عربی و خودکفایی نظامی جمهوری اسلامی ایران به پای سردی روابط دوطرف نوشته می شود.

وقتی سخن از اختلاف نظر با اعراب به میان می آید، تاریخ چند هزارساله ایران و جاهلیت اعراب پیش از اسلام به عنوان استدلالی مبنی بر برتری تاریخی ایرانیان بر اعراب و واقعه قادسیه به عنوان دلیلی بر ضعف قدرت پادشاهان ساسانی محل بحث و تنش دو طرف می شود و البته هردو طرف با استفاده از روش های اخلاقی و غیراخلاقی تلاش در حقیر جلوه دادن طرف مقابل دارند. این تحلیل های بعضاً ناعقلانی در شرایطی رخ می دهد که امت های اسلامی منطقه بشدت به وحدت و یکپارچگی در اتخاذ تدابیر اعتدالی سیاسی و اقتصادی نیاز دارند و از بحران های جدی مشترک نظیر دخالت کشورهای خارج از منطقه در امور داخلی، فقر، تنش های پراکنده قومی و مذهبی، خشکسالی و آلودگی محیط زیست رنج می برند.

برای رسیدن به راه حل جامعی مبتنی بر گفتمان اعتدال و توسعه در منطقه برای این مسائل، باید اجازه داد تا عقلانیت مشترک بر این بحث ها غلبه یابد و به تحلیلی تخصصی از حقیقت روابط بین ایرانیان و اعراب برسد.

پاسخ به این پرسش بسیار حائز اهمیت است که چرا باید مسائل تاریخی مبهم را بزرگنمایی کرد، در حالی که شواهد معاصر به روشنی در توضیح چگونگی روابط ایرانیان و اعراب وجود دارند؟ به این لحاظ، در این یادداشت منظور از روابط ایرانیان و اعراب تنها سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تقابل یا تعامل با ۲۲ کشور آسیایی و آفریقایی جهان عرب نیست؛ بلکه تلاشی است از منظر فرهنگ و اقتصاد با تأکید بر اهمیت گفت و گو بین تمام اقشار و اجتماعات ایرانی و عربی برای تقویت دوستی و روابط نیک و آینده ای درخشان برای این روابط. این موضوع با نگاهی کل نگرانه، با کمک از شواهد تاریخ معاصر و با نهایت تلاش برای رعایت اصل بی طرفی مورد بررسی قرار می گیرد.

دو مسأله اساسی، محل اختلاف بین کشورهای عربی و جمهوری اسلامی ایران است؛ یکی از موضوعات در روابط نهاد قدرت پنهان شده است و دیگری در روابط نهاد دین، چگونگی روابط با ایالات متحده آمریکا و اختلافات مذهبی.

در طرح این اختلافات دو نکته مهم نهفته است؛ اول این که باید در نظر گرفت ایالات متحده آمریکا کشوری است که خارج از این منطقه نسبت به دخالت در مسائل داخلی کشورهای منطقه اقدام می کند و دوم این که اختلافات مذهبی از راه پژوهش در تقریب مذاهب قابل حل و فصل است.

یادآوری روش و منش پرچمدار تقریب مذاهب و گفت و گوی ادیان در لبنان و جهان اسلام، امام موسی صدر، که به اهمیت گفت و گو، تفاهم و همزیستی در ایجاد جنبش های اجتماعی و پژوهشی در تقریب مذاهب و گفت و گوی ادیان اهتمام می ورزید، در حل مسأله اختلافات مذهبی بسیار تأثیرگذار و سودمند است.

در اینجا لازم است به مطالعه موردی روابط دوستانه ایرانیان و اعراب در چارچوب فرهنگ و اقتصاد پرداخته شود. در ادامه مشاهده خواهد شد که اشتراکات ایرانیان و اعراب از اختلافاتشان بسیار کمرنگ تر است و تنش ها بیشتر جنبه تبلیغاتی دارند.

در حالی که جمعیت کثیری از ایرانیان در جنوب و جنوب غرب سرزمین ایران با فرهنگ و آداب و رسوم عربی خاص منطقه خود زندگی می کنند و به گویشی ویژه در زبان عربی سخن می گویند، جمعیت زیادی از اعراب در کشورهای کویت، بحرین، امارات متحده عربی و عراق با فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی زندگی می کنند و بعضاً به زبان پارسی سخن می گویند. این اعراب و ایرانیان روابط تجاری و فرهنگی نیکی با یکدیگر دارند و به دلیل آشنایی و نزدیکی فرهنگی و روابط خانوادگی و قومی، موجب رونق اقتصادی مناطقی که در آن زندگی می کنند، شده اند. نزاع بین ایشان بیشتر با رجوع به بزرگ خاندان یا شیخ عشیره برطرف می شود و در تاریخ معاصر همواره به همراهی با دولت های مرکزی شهرت یافته اند. نمونه های تاریخی آن برخورد عشایر عرب جنوب ایران با پدیده شیخ خزعل و درگیری ها در جریان اشغال سوسنگرد توسط لشکر صدام حسین بود که مردم جنوب ایران با شجاعت در مقابل عوامل وابسته به خارج ایستادگی نشان دادند.

در جریان جنگ ایران و عراق، صدام حسین تلاش داشت جنگ را به نزاع عجم با عرب مبدل کند. وی در نهایت نه تنها موفق نشد همه احزاب و گروه های عربی را با خود همراه کند؛ بلکه با حمله به کشور عربی همسایه (کویت) موجبات دشمنی با کشورهای عربی را پدید آورد. هم اکنون صدام حسین از بین رفته و گفتمان سلطه طلب او دیگر وجود ندارد. در این یادداشت تأکید می شود، نباید قدرت طلبی و توهمات صدام حسین و عملکرد وی نسبت به ملت های منطقه، به دشمنی عرب با عجم (غیرعرب) برگردان شود. لازم به ذکر است، یادآوری و بررسی فجایعی که صدام حسین و نهاد سلطه گر او بر ملت های منطقه وارد آورد از اهمیت تاریخی زیادی برخوردار است.

بحث روابط مشترک بین تندروان ایرانی و عربی، به واقعه قادسیه کشیده می شود. قادسیه واقعه ای است که حدوداً سال ۶۳۵ میلادی رخ داده و جزئیات آن در پژوهشکده های تاریخ در کشورهای توسعه یافته و کشورهای منطقه مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است. پرسشی که در اینجا مطرح می شود این است که

جمع بندی گفت وگو درباره واقعه قادسیه، صرف نظر از یک پژوهش تاریخی برای درک شرایط تاریخی آن زمان، چه نتیجه ای داشته است؟ آیا هدف از پیش کشیدن این موضوع غیر از تفرقه افکنی و افزایش تنش بین ایرانیان و اعراب چیز دیگری است؟ در این رابطه لازم است، شک گرایان به پژوهشکده های تاریخ مراجعه کنند و نسبت به افزایش اطلاعات پژوهشی خود در این زمینه اهتمام ورزند.

مساله دیگر اختلافات مرزی و عنوان مکان های جغرافیایی است. به عنوان نمونه تندروان ادعا می کنند نام یک مکان طبق سند تاریخی غیر از نام کنونی آن است. چنین مدعایی در سال های اخیر از سوی برخی تندروان در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مطرح می شود. در چنین شرایطی باید در نظر گرفت، هدف از طرح این ادعا، غیر از تغییر نام مکان چه می تواند باشد؟ این مساله باید به دست متخصصان و دیپلمات های روابط بین الملل پیگیری شود و مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد، چرا که طرح چنین سخنانی نه تنها موجب بروز اختلافات در آینده روابط با هر کشوری که چنین ادعایی کرده، خواهد شد، بلکه می تواند توطئه ای از طرف کشورهای خارج از منطقه برای خدشه دار کردن روابط نیک ایرانیان و اعراب باشد و حتی می تواند امنیت ملی کشور مدعی را تهدید کند.

باید در نظر داشت اعراب فقط در کشورهای حاشیه خلیج فارس زندگی نمی کنند. مردم کشورهای نظیر مصر، لیبی، تونس، مراکش و اردن نیز خود را عرب می دانند و کشورهای عضو اتحادیه عرب هستند. اهانت به اعراب می تواند، اهانت به مردم همه این کشورها تلقی شود، همانطور که اهانت به مردم پارسی زبان می تواند اهانت به پارسی زبانان تاجیکستان و افغانستان تلقی شود.

اختلاف نظرهای سیاسی و بحث و تبادل نظر در نهادهای قدرت در بین همه اقوام و ملیت ها و کشورها وجود دارد و باید در نظر داشت، ایرانیان و اعراب در اختلاف نظرهای سیاسی مستثنی نبوده اند، اما گستره دوستی فرهنگی و اقتصادی ایرانیان و اعراب به حدی است که می توان ادعا کرد حل و فصل اختلافات بین این دو بمراتب از مشاجرات سایر ملیت ها آسان تر است.

براساس اعلام یکی از نهادهای رسانه ای و پژوهشی، ارزش سرمایه گذاری ایرانیان در امارات متحده عربی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار است. همچنین هر سال مبلغ قابل توجهی سرمایه از طریق زیارت اعراب از مراکز فرهنگی و مذهبی ایران وارد کشور می شود.

سرمایه گذاری مشترک بین ایرانیان و اعراب در تاریخ جهان بی نظیر است. سرمایه گذاری های مشترک میادین نفت و گاز بین ایران و قطر و بین ایران و عراق تاکنون به هیچ اختلاف نظری نرسیده است که به بحران تبدیل شود. با این که دسترسی به اطلاعات ارزش سرمایه مشترک فی مابین به دلایل استراتژیک امکان پذیر نیست می توان پیش بینی کرد، هیچ سرمایه گذاری مشترکی بین دو ملت در جهان وجود ندارد که از نظر میزان ارزش سرمایه از ارزش سرمایه مشترک اقتصادی ایرانیان و اعراب بیشتر باشد. سرمایه گذاری های مشابه نظیر انتقال گاز روسیه به اروپا با بحران های جدی روبه روست. اینها نشان می دهند با

این که در تبلیغات از افزایش تنش ها بین ایرانیان و اعراب سخن گفته می شود، اما روابط اقتصادی این دو گروه از آنچه می توان تصور کرد مستحکم تر و نیکوتر است. در زمینه روابط اقتصادی مشترک، فرصت های طلایی وجود دارد که با گذشت زمان در حال از دست رفتن است. سرمایه گذاری در تکنولوژی تولید انرژی از طریق نیروگاه های خورشیدی، خودکفایی منطقه در صنعت نفت و گاز، تبادل مهندسان و متخصصان شرکت های نفت و گاز بومی، بازرگانی درون منطقه ای، تولیدات فرهنگی مشترک و توسعه تفرجگاه ها با رعایت موازین فرهنگی و سنت های بومی مشترک، تنها نمونه هایی از این فرصت های اقتصادی است.

وجود دین مشترک و در هم آمیختگی نهاد دین با نهاد قدرت در طول تاریخ باعث شده ایرانیان و اعراب، امرا و علمای مشترک داشته باشند. این موضوع می تواند برای تبادلات سیاسی، فرهنگی و پژوهشی بین ایرانیان و اعراب ظرفیت ساز باشد.

برای فهم و درک مشترک و تبادل نظر بین امرا و علما نیاز است مراکز پژوهشی و دانشگاهی مشترک بین ایرانیان و اعراب برقرار شود؛ چرا اکثر امرا و علمای عرب باید در آکادمی های سلطنتی و نظامی کشورهای آمریکا، انگلستان، استرالیا و نیوزیلند تحصیل کنند در حالی که کشور دوست و همسایه ایشان، یعنی ایران از ظرفیت بالفعل تعلیم و تربیت نظامی و حکومت داری و همچنین علمی و تکنولوژیکی منحصر به فردی برخوردار است؟

تبادل دانشجویان ایرانی با پژوهشکده ها و دانشکده های تخصصی کشورهای عربی سبب می شود سرمایه لازم برای پژوهش دانشجویان ایرانی فراهم آید و همچنین مراکز پژوهشی کشورهای عربی از دانش و خلاقیت بالقوه جوانان ایرانی بهره مند شوند.

جهل به معنای نادانی است. جاهلیت به دوره ای تاریخی پیش از سال ۶۰۰ میلادی اطلاق می شود و این دوره فقط متعلق به اعراب نیست. البته اعراب پس از اسلام به دانش قرآن آگاهی یافتند و به کمک خواهران و برادران ایرانی خود درصدد برقراری نظام شکوفای اسلامی برآمدند. به تعبیر توماس گلیک، استاد برجسته تاریخ در دانشگاه بوستون آمریکا، مسلمانان در فتوحات جدید خود نه تنها دانش و فرهنگ خود را به همراه داشتند بلکه از تکنولوژی و فرهنگ چین، ایران و هند هم در دوره طلایی اسلام بهره بردند.

اعراب و ایرانیان خط مشترک خود را حفظ کرده اند. مسلمانان ایرانی و عرب در کتاب آسمانی قرآن کریم، قبله مکه مکرمه و پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) اشتراک عقیده و عمل دارند. همچنین در حال حاضر دختران و پسران ایرانی و عرب با یکدیگر ازدواج می کنند و صاحب فرزند می شوند. فرزندان که بعضاً از وصلت دو نژاد متفاوت، ولی با مصادیقی از اشتراکات فراوان فرهنگی، اقتصادی و دینی رشد خواهند کرد.

خداوند متعال در قرآن کریم مسلمانان را به وحدت و همدلی بین یکدیگر دعوت کرده است. اکثریت جمعیت ملت های عرب و ملت ایران مسلمان هستند و امت اسلامی را به همراه ملت های مسلمان جنوب شرق آسیا و جهان تشکیل می دهند. در طول تاریخ اسلام، مسلمانان یکدیگر را خواهر و برادر دینی دانسته اند. مسلمانان تشویق شده اند تا آتش بر اختلافات نیفزوند، یکدیگر را ببخشند و سیاه پوست و سفید پوست، عرب و عجم (غیرعرب) و معلول و سالم را یکسان بدانند.

بنابراین مسلمانان باید نسبت به هم، بدی را با نیکی پاسخ گویند تا بین ایشان آرامشی برای حل اختلاف برقرار شود. به گفت وگو بنشینند، عقلانیت را تقویت کنند و از دشمنی و اهانت به هم بپرهیزند. خداوند سبحان می فرماید: ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: یعنی بدی را با نیکی دفع کن (سوره مبارکه فصلت - آیه شریفه ۳۴) و درباره هر چیزی اختلاف پیدا کردید داوریش به خدا [ارجاع می گردد] چنین خدایی پروردگار من است بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم. (سوره مبارکه الشوری - آیه شریفه ۱۰)